

## طبقه‌بندی علوم از دیدگاه صدرالمتألهین و امام خمینی نجف لک‌زایی\*

### چکیده

هرگونه اقدام در جهت طراحی نقشه علمی جمهوری اسلامی ایران از یک سو مستلزم بازگشت به مبانی اسلامی در ساحت طبقه‌بندی علوم و از سوی دیگر، تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. در مقاله حاضر سعی کرده‌ایم در یک بررسی تطبیقی، دیدگاه دو تن از بزرگان حکمت متعالیه را در موضوع اول، مورد بررسی قرار دهیم. ملاصدرا تمام علوم و معارف را در شبکه و منظومه‌ای خاص (دینی و الهی) می‌بیند و بر این اساس، علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدم می‌داند. طبقه‌بندی علوم از نظر حضرت امام(ره) مبتنی بر انسان‌شناسی ویژه ایشان است. از نظر امام(ره) انسان به طور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است و کلیه علوم نافع به این سه بر می‌گردد؛ یعنی: علمی که مربوط است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه؛ علمی که مربوط به اعمال قلبیه و وظایف آن است؛ علمی که مربوط به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است. به نظر حضرت امام(ره) سایر علوم، داخل در یکی از این اقسام است.

واژگان کلیدی: طبقه‌بندی علوم، امام خمینی، ملاصدرا، نقشه علمی، فلسفه علم.

\* تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۱/۱۹

\* دکترای علوم سیاسی، استادیار دانشگاه باقرالعلوم(ع). آدرس: قم - بلوار امین، دانشگاه باقرالعلوم، گروه علوم سیاسی

نمبر: ۰۲۵۱ ۲۹۱۰۱۳۳@Najaf\_lakzaee@yahoo.com

## مقدمه

یکی از مباحثی که امروز در جامعه علمی کشور ما مطرح است، مباحث مربوط به طراحی نقشه علمی کشور است. به نظر می‌رسد هر گونه اقدام در جهت طراحی نقشه علمی کشور از یک سو مستلزم بازگشت به مبانی اسلامی در ساحت طبقه‌بندی علوم و از سوی دیگر، تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. نقد دیدگاه‌های فلسفی مطرح در ساحت طبقه‌بندی علوم و ارائه طبقه بندی علوم مبتنی بر فلسفه اسلامی از دیگر ضرورت‌های پیش روست. در مقاله حاضر، سعی کرده‌ایم در یک بررسی تطبیقی، دیدگاه دو تن از بزرگان حکمت متعالیه را به عنوان پرطرفدارترین مکتب فلسفی اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

## پیشینه طبقه‌بندی علوم

طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام که با الکندی و سپس فارابی آغاز شد، ریشه در طبقه‌بندی دانش نزد ارسطو دارد. ارسطو علوم را به علوم نظری و عملی، و بنابر قول دقیق‌تر؛ به علوم نظری، عملی و فنی (یا شعری) تقسیم می‌کند (ر.ک. به: سجادی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۰-۴۲۹؛ برن، ۱۳۷۳، ص ۴۴-۴۳). از دیدگاه ارسطو غایت علوم نظری، معرفت به خاطر معرفت است و اقسام آن عبارتند از: علم الهی یا مابعدالطبیعه؛ ریاضیات و اقسام آن؛ طبیعیات و اقسام آن. از نظر ارسطو علوم عملی در عرض علوم نظری قرار می‌گیرند و سه قسم دارند: اخلاق؛ تدبیر منزل و سیاست. غایت علوم شعری، تدبیر اقوال انسان است و به سه قسم تقسیم می‌شوند: شعر؛ خطابه و جدل (ر.ک. به: حقیقت، ۱۳۸۳).

در میان فیلسوفان مسلمان مشهورترین اثر در طبقه‌بندی علوم، از آن فارابی است (ر.ک. به: فارابی، ۱۳۶۹). نزد اخوان‌الصفاء، علوم به دو دسته صنایع علمی و صنایع عملی تقسیم می‌شود (ر.ک. به: حلبی، ۱۳۶۰، ص ۳۱-۳۰). مسکویه و ابن‌سینا همانند فارابی حکمت را به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌کنند و ظاهراً نکته تازه‌ای در طبقه‌بندی آنها دیده نمی‌شود. از نگاه غزالی، علوم دینی به دو دسته تقسیم می‌شوند: علوم معاملی و علوم مکاشفه.

مقصود از دسته اول، علومی است که پس از معرفت به عمل تبدیل می‌شود. علوم با توجه به اینکه انسان از دو بعد ظاهر و باطن تشکیل می‌شود، به علوم ظواهر (جوارح) و بواطن (دل) تقسیم می‌شود. علم ظواهر به عبادات و عادات، و علم بواطن به منجیات و مهلکات قابل تقسیم است. تقسیم‌بندی کتاب احیاء علوم‌الدین بر همین اساس انجام شده است (ر.ک. به: غزالی، ۱۳۶۴). همچنین غزالی علوم را بر حسب جایگاه یافته‌ها به اصول، فروع، مقدمات و مهمات تقسیم می‌کند. فقه از نظر وی، علمی فرعی و متعلق به مصالح دنیاست. در این قسمت، چنان که در ادامه بحث خواهد شد، امام خمینی (ره) دیدگاه ایشان را نقد کرده است. از دیدگاه وی، علم کلام صرفاً جهت حفظ عقیده اهل سنت مفید است و فایده خاص دیگری ندارد (ر.ک. به: همان، بی‌تا، ص ۵۴۲). موضع غزالی در قبال فلسفه، انتقادی و حذفی است (ر.ک. به: همان، ص ۵۴۶-۵۴۲).

خواجه نصیرالدین، علوم را بر حسب تحصیل سعادات تقسیم می‌کند: علم سعادات نفسانی شامل علم تهذیب اخلاق، منطق، ریاضی، علم طبیعی و علم الهی؛ علم سعادات بدنی شامل علم طب و نجوم و علم سعادات مدنی مانند علم شریعت از جمله: فقه و کلام و اخبار و تزیل و علوم ظاهر مثل ادب و بلاغت و نحو و نویسندگی و حساب و مساحت و نظایر آن (ر.ک. به: طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴).

ابن خلدون دانش را ابتدا به دو نوع طبیعی (که امکان راهیابی به یاری اندیشه در آن وجود دارد) و نقلی (که انسان آنها را از کسانی که وضع کرده‌اند فرا می‌گیرد) تقسیم می‌کند. گونه نخست، عبارت از دانشهای حکمت و مسائل فلسفی است که انسان می‌تواند بر حسب طبیعت اندیشه خود به آنها پی ببرد. در علوم نقلی، عقل را مجالی نیست؛ مگر در پیوند دادن فروع آنها به اصول. علوم نقلی شامل لغت و نحو و فقه و اصول فقه و کلام و تفسیر و مانند آن می‌شود؛ هر چند اصل این علوم، دانشهای شرعی است (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ص ۸۸۴-۸۸۳).

طبقه‌بندی‌های مذکور از چشم محققان دور نبوده و کم و بیش درباره آنها بحث کرده‌اند (ر.ک. به: حقیقت، ۱۳۸۳)؛ اما دیدگاه ملاصدرا و امام خمینی تاکنون مورد توجه قرار

## طبقه بندی علوم از دیدگاه صدرالمتألهین و امام خمینی ❖ ۷

نگرفته است. از این رو در ادامه، این دو دیدگاه را مورد بررسی قرار می دهیم. یادآوری این مطلب لازم است که هم طبقه بندی های دیگری وجود دارد که درباره آنها بحث نشده و هم مباحث دیگری از قبیل الگوها، علل، اصول و قواعد طبقه بندی از مباحث مهم در این حوزه است که در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. در این مورد رساله بسیار مهم ابوعلی سلماسی به نام الرساله الشرفیه شایسته توجه است. (ر.ک. به: سلماسی، ۱۳۸۳)

### طبقه بندی علوم از دیدگاه صدرالمتألهین

ملاصدرا در مقدمه کتاب شرح الهدایه الاثیریة یادآوری می کند که چون دیدم جمعی از اهل علم به خواندن کتاب هدایه حکیم اثیرالدین ابهری مشغول هستند، به شرح این رساله پرداختم. طبقه بندی علوم، با توجه به موضوع کتاب هدایه که حکمت می باشد، مورد توجه قرار گرفته است. ملاصدرا حکمت را بر دو قسم نظری و عملی می داند و ضمن تعریف هر یک، به برتری حکمت نظری بر عملی حکم داده، سپس به ذکر اقسام هر یک از دو حکمت می پردازد. از نظر وی، اقسام حکمت نظری عبارتند از: علم اعلی، طبیعی، منطق و ریاضی؛ و حکمت عملی نیز سه قسم است: علم اخلاق، حکمت منزلی و حکمت مدنی. ترجمه متن کتاب شرح الهدایه الاثیریة درباره اقسام حکمت عملی بدین شرح است:

اما حکمت عملی: آنچه موضوع آن نفس انسانی است از جهت ائتصاف آن به اخلاق و ملکات نیز بر سه قسم است. به خاطر اینکه تدبیرهای بشری و سیاستهای انسانی، یا مخصوص یک شخص است یا بیش تر از یک شخص؛ اگر مخصوص به یک شخص باشد، حکمتی است که توسط آن معیشت دنیوی فاضله و زندگی اخروی کامله انسان سامان می گیرد و چنین حکمتی علم اخلاق نامیده می شود و اما آنچه فراتر از یک شخص است و ضروری است که ترکیبی از افراد - که تشکیل دهنده اجتماع هستند - در آن حضور داشته باشند، خود بر دو بخش است: یا بر حسب خانواده است یا بر حسب نظام سیاسی (مدینه)؛ اولی، حکمت منزلی و

دومی، حکمت مدنی نامیده می‌شود. کسانی که در تقسیم مذکور، به چهار دانش اشاره کرده‌اند، قسم دوم (حکمت مدنی) را دو بخش کرده‌اند؛ زیرا امور مربوط به مدینه تقسیم می‌شود به آنچه متعلق به مملکت‌داری و سلطنت است و آنچه متعلق به نبوت و شریعت است؛ اولی، علم سیاست و دومی، علم نوامیس نامیده می‌شود. (صدرالتألهین، چاپ سنگی، ص ۴-۵)

تقسیم‌بندی مذکور که بر اساس مکتب مشاء است، در برخی از دیگر آثار وی، همچون آغاز کتاب الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه نیز تکرار شده که از ذکر آن صرف نظر می‌کنیم. اما ایشان در کتاب اکسیرالعارفین، از منظر حکمت اشراق، دانشها را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم کرده است. علوم دنیوی سه نوع است: علم اقوال، علم اعمال و علم احوال یا افکار. علم اقوال مشتمل بر علوم الفبا، صرف، نحو، عروض، معانی و بیان و تعاریف منطقی اصطلاحات (حدود) است. علم اعمال شامل چیزهایی است که به اشیای گوناگون مادی تعلق دارد و از آنها فنون بافندگی، کشاورزی و معماری پدید می‌آید. یک مرتبه بالاتر از آن، فن کتابت، علم حیل (مکانیک)، کیمیا و غیره قرار دارد؛ سپس علمی از قبیل علم خانواده، حقوق، سیاست و شریعت هست که برای معیشت فرد و اجتماع لازم است و سرانجام، علم طریقت که به کسب فضایل معنوی و اخلاقی و زدودن رذایل می‌پردازد. علم افکار و احوال عبارت است از: علم برهان منطقی، علم ریاضی و علم هندسه که خود شامل علم نجوم و احکام نجوم می‌شود. علوم طبیعت شامل پزشکی و علمی است که به معدن و نبات و حیوان می‌پردازد. علوم اخروی که عقل عادی نمی‌تواند به آنها برسد و لازم است تا از وحی و تهذیب نفس برای رسیدن به آنها کمک گرفته شود، عبارتند از: فرشته‌شناسی، شناخت جواهر غیر مادی، شناخت لوح محفوظ، شناخت قلم اعلی، شناخت مرگ و رستاخیز و سایر اموری که به زندگی اخروی مربوط است (حسین نصر، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۸۱). تقسیم‌بندی مذکور، که اشراقی است، در جدول ذیل نمایش داده شده است.

جدول طبقات علوم و دانشها از نگاه صدرالمتألهین با رویکرد اشراقی

علوم اخروی	علوم دنیوی		
	علم افکار (احوال)	علم افعال	علم اقوال
فرشته شناسی	برهان منطقی	فنون	الغیا
شناخت جواهر غیرمادی	ریاضی	بافندگی	صرف
شناخت لوح محفوظ	هندسه	کشاورزی	نحو
شناخت قلم	طبیعی	معماری	عروض
شناخت مرگ و رستاخیز	پزشکی	کتابت	معانی
...	معدن	حیل (مکانیک)	بیان
	نبات	کیمیا	تعاریف
	حیوان	معیشت	
		خانواده	
		حقوق	
		سیاست	
		شریعت	

ملاصدرا در کتاب کسر اصنام الجاهلیه، علوم را قسیم احوال و کردارها قرار داده است. وی در این رساله چنین می آورد که حرکات و کردار در خدمت صفات و احوال بوده و صفات و احوال در خدمت علوم هستند؛ در حالی که به نظر وی، کوتاه اندیشان، علوم را مقدمه احوال و احوال را مقدمه کردار می دانند. وی سپس علوم را به دو دسته علوم مکاشفات و معاملات تقسیم کرده است (ر.ک. به: صدرالمتألهین، ۱۳۷۱، ص ۷۵-۷۴). در این تقسیم بندی، تأثر وی از غزالی مشهود است.

در کتاب المظاهر الالهیه که طبق بررسی ها، از آخرین تألیفات ملاصدرا به حساب می آید، یک دوره حکمت متعالیه، عرشیه و قدسیه به اختصار آمده است. این کتاب از بهترین کارهای ملاصدرا شمرده شده است (ر.ک. به: صدرالمتألهین، ۱۳۷۸، ص ۲۹۵). پیش فرض ملاصدرا در این کتاب، آن گونه که خود در مقدمه کتاب تصریح کرده، این است که غایت و هدف حکمت و قرآن کریم، آموختن راه سفر و سیر تکاملی به سوی آخرت و

وصول به خداوند ذی‌الکمال، است. بر همین اساس، به نظر ملاصدرا این سفر، شش مرحله دارد که سه مرحله اول، اصلی و سه مرحله دوم، فرعی بوده و عبارتند از:

۱. خدا شناسی به منزله هدف شناسی (معرفه الحق الاول)؛
۲. شناخت مراحل و منازل سفر به منزله راه شناسی (معرفه الصراط المستقیم)؛
۳. معاد شناسی به منزله شناخت مقصد نهایی و پایان سفر (معرفه المعاد)؛
۴. رهبر شناسی (معرفه المبعوثین من عندالله لدعوه الخلق و نجاه النفوس؛ و هم قواد سفر الاخره و رؤساء القوافل)؛
۵. باطل شناسی و نقد و هدایت آنها (حکایت اقوال الجاحدین و کشف فضائحتهم و تسفیه عقولهم فی ضلالتهم؛ والمقصود فيه التحذیر عن طریق الباطل)؛
۶. تنظیم امور دنیا به نحوی که انسان را به خدا برساند (تعلیم عماره المنازل والمراحل الی الله والعبودیه و کیفیه اخذ الزاد والراحله لسفر الاخره و الاستعداد برياضه المركب و علف الدابه).

مرحله ششم که در حوزه حکمت عملی قرار می‌گیرد، سه قسم است که عبارتند از:

۱. خودسازی و تربیت افراد که اخلاق نامیده می‌شود؛
۲. سازماندهی به خانواده که هسته اصلی تشکیل دهنده جامعه است و تدبیر منزل نام دارد؛
۳. اداره جامعه مدنی و سیاسی و نهادهای اجتماعی آن که فقه، حقوق و قوانین و مقررات کوچک و بزرگ دینی یا غیردینی در این بخش جا می‌گیرد و فلاسفه به آن علم سیاست می‌گویند. (ر.ک. به: همان، ص ۱۴)

این طبقه‌بندی، نسبت به طبقه‌بندی قبلی تفاوت‌هایی دارد؛ نخستین تفاوت به رویکرد آن برمی‌گردد که بر اساس حکمت متعالیه تنظیم شده است. تفاوت دیگر انسجام بیشتر آن است، هر چند ایشان آن را به نهایت نرسانده‌اند و این تکمیل و تتمیم توسط امام خمینی (ره) انجام شده است.

## طبقه بندی علوم از دیدگاه صدرالمآلهین و امام خمینی ❖ ۱۱

از آنچه آمد به این نتیجه می‌رسیم که ملاصدرا تمام علوم و معارف را در شبکه و منظومه‌ای خاص (دینی و الهی) می‌بیند و بر این اساس، علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدم می‌داند. (ر.ک. به: لک‌زایی، ۱۳۸۱، ص ۷۴-۶۰)

### طبقه‌بندی علوم از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) ذیل حدیث بیست و چهار کتاب چهل حدیث، ضمن نقد دیدگاه‌های مذکور، به ارائه دیدگاه خویش پرداخته است. ابتدا دیدگاه ایشان را ذکر می‌کنیم و سپس نقد ایشان بر دیدگاه غزالی و صدرالمآلهین خواهد آمد.

متن حدیثی که حضرت امام (ره) در طبقه‌بندی علوم از آن استفاده کرده‌اند بدین شرح است:

فرمود موسی بن جعفر (ع): داخل شد رسول خدا (ص) به مسجد؛ ناگاه جماعتی را مشاهده فرمود که اطراف مردی دور می‌زنند. فرمود: «چیست این؟» گفته شد: «علامه است». فرمود: «چیست علامه؟» گفتند به او: «داناترین مردم است به نسبه‌های عرب و وقایع آن و روزگار جاهلیت و اشعار عربی». فرمود پیغمبر (ص): «این علمی است که از جهل او ضرر و زیانی نرسد و از علم او سودی حاصل نشود. همانا علم منحصر است به سه چیز: آیه محکمه یا فریضة عادلّه یا سنت قائمه (نشانه استوار یا واجب راست یا سنت پا برجا) و غیر از اینها زیادت است». (امام خمینی، بی‌تا، ص ۳۹۵ و نیز: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۱)

### مبانی انسان‌شناختی طبقه‌بندی علوم

طبقه‌بندی علوم از نظر حضرت امام (ره) مبتنی بر انسان‌شناسی ویژه ایشان است. بنابراین، در این قسمت نگاه ایشان به انسان را به اختصار بررسی می‌کنیم. از نظر حضرت امام (ره)، انسان به طور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است:

۱. نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛

۲. نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛

۳. نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت.



از نظر ایشان، برای هر یک از این مقامات، کمال خاص و تربیت مخصوصی است و عملی است مناسب با نشئه و مقام خود و انبیا (ع)، متکفل دستور آن اعمال هستند. از این رو، نتیجه می‌گیرند که کلیه علوم نافع منقسم شود به این سه علم؛ یعنی علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه، علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است. (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۶)

### علوم اسلامی

از نظر امام خمینی (ره)، علوم اسلامی با نظر به سه نشئه مذکور، در سه شاخه قابل طبقه‌بندی است. علوم مربوط به نشئه اول عبارتند از: علم به ذات مقدس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال؛ علم به عوالم غیبیه از قبیل ملائکه و اصناف آن از اعلی مراتب جبروت و ملکوت اعلی تا ملائکه ارضیه و جنود حق؛ علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها؛ علم به کتب الهی و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح؛ علم به نشئه آخرت و کیفیت بازگشت موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت و تفصیل آنها؛ و بالجمله، علم به مبدء وجود و حقیقت و مراتب آن و بسط و قبض و ظهور و رجوع آن. متکفل این علوم پس از انبیا و اولیا (ع)، فلاسفه و اعاضم از حکما و اصحاب معرفت و عرفان هستند.

علوم مربوط به نشئه دوم عبارتند از: علم به منجیات و مهلکات خلقیه؛ یعنی علم به محاسن اخلاق، مثل صبر و شکر و حیا و تواضع و رضا و شجاعت و سخاوت و زهد و ورع و تقوا و دیگر محاسن اخلاق؛ علم به کیفیت تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها؛ علم به قبایح اخلاق، از قبیل حسد و کبر و ریا و حقد و غش و حب ریاست و جاه و حب دنیا و نفس و غیر آن و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزه از آنها. متکفل این علوم نیز پس از انبیا و اوصیا (ع)، علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارفند.

علوم مربوط به نشئه سوم عبارتند از: علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن؛ که متکفل آن علمای ظاهر و فقها و محدثان هستند پس از انبیا و

### نگاه نظام‌مند به علوم

از نظر حضرت امام (ره) هر یک از مراتب سه‌گانه انسانی که ذکر شد، به طوری به هم مرتبط است که آثار هر یک به دیگری سرایت می‌کند؛ چه در جانب کمال و چه در طرف نقص. برای مثال، اگر کسی قیام به وظایف عبادی و مناسک ظاهری - چنانچه باید و مطابق دستور انبیاست - نمود، از این قیام به وظایف عبودی، تأثیراتی در قلب و روحش واقع می‌شود که خُلُقش رو به نیکویی و عقایدش رو به کمال می‌گذارد. همین طور اگر کسی مواظب تهذیب خُلُق و تحسین باطن شد، در دو نشئه دیگر مؤثر واقع می‌شود؛ چنانکه کمال ایمان و عقاید تأثیر در دو مقام دیگر می‌نماید و این از شدت ارتباطی است که بین مقامات است. از نظر ایشان حتی تعبیر به «ارتباط» نیز از ضیق مجال و تنگی قافیه است، باید گفت یک حقیقت است که دارای مظاهر و مجالی است. و همین طور، کمالات مقامات ثلاثه بسته به کمالات هر یک است. لذا می‌فرماید: کسی گمان نکند که بدون اعمال ظاهری و عبادات قالبی، می‌تواند دارای ایمان کامل یا خُلُق مهذب شود یا اگر خُلُقش ناقص و غیر مهذب شد، اعمالش ممکن است تامّ و تمام و ایمانش کامل شود یا ممکن است بدون ایمان قلبی، اعمال ظاهریه‌اش تامّ و محاسن اخلاقیه‌اش کامل گردد. وقتی اعمال قالبیه ناقص شد و مطابق دستورات انبیا (ع) نگردید، احتجاباتی در قلب و کدوراتی در روح حاصل می‌شود که مانع از نور ایمان و یقین می‌شود. و همین طور اگر اخلاق رذیله در قلب باشد، مانع از ورود نور ایمان در آن خواهد شد. (همان، ص ۳۸۹-۳۸۸)

پس، معلوم شد که علوم اسلامی منحصر به این سه قسم است بر طبق احتیاجات بشر و مقامات سه‌گانه انسان. پس از آنکه معلوم شد این علوم که رسول اکرم (ص) ذکر فرمودند همین سه رشته است که ذکر شد، باید بررسی شود که هر یک از این سه عنوان بر کدام یک از این علوم منطبق است. به نظر امام خمینی (ره)، «آیه محکمه» عبارت است از: علوم عقلیه و عقاید حقّه و معارف الهیه؛ «فریضه عادلّه» عبارت است از: علم اخلاق و تصفیه قلوب و «سنت قائمه» عبارت است از: علم ظاهر و علوم آداب قالبیه.

استدلال ایشان از این قرار است که کلمه «آیه» به معنی «نشانه» است و مناسب با علوم

عقلی و اعتقادی است؛ زیرا این علوم نشانه‌های ذات و اسما و صفات و دیگر معارف می‌باشند و سابقه ندارد که در علوم دیگر، به آیت یا نشانه تعبیر شود. برای مثال، در کتاب الهی در موارد زیاد بعد از آنکه اقامه برهان بر وجود مقدس صانع یا بر اسما و صفات آن ذات مقدس، یا بر وجود قیامت و کیفیات آن و عالم غیب و برزخ می‌فرماید، دنباله آن می‌فرماید: «این آیت است یا آیات است برای متفکرین یا عقلا» و این تعبیر رایجی است نسبت به این علوم و معارف. چنانچه توصیف به «محکمه» بودن نیز مناسب با این علوم است؛ زیرا این علوم تحت میزان عقلی و برهان محکم است؛ در حالی که سایر علوم را به حسب نوع، برهان محکم و استوار نیست. (همان، ص ۳۹۱)

و اما دلیل بر آنکه «فریضة عادله» راجع به علم اخلاق است، توصیف فریضة است به «عادله»؛ زیرا خلق حسن، خروج از حد افراط و تفریط است و هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم و «عدالت» که حد وسط و «تعديل» بین آنهاست، نیکوست. پس «عادله» بودن فریضة، دلالت کند بر آنکه آن منطبق بر علم اخلاق است. چنانچه «فریضة» بودن نیز خالی از اشعار نیست؛ زیرا «فریضة» در مقابل «سنت»، آن است که عقل را راهی به ادراک آن باشد؛ چنانچه علم اخلاق چنین است، بر خلاف سنت که راجع به تعبّد صرف است و عقول از درک آن عاجزند. به همین جهت گوئیم که «سنت قائمه» راجع به علوم تعبّدی و آداب شرعی است که تعبیر به «سنت» شده و عقول به حسب نوع، از ادراک آنها عاجز است و طریق اثبات و فهم آنها سنت است؛ چنانچه تعبیر و توصیف سنت به «قائمه» نیز مناسب با همان واجبات شرعی است؛ زیرا «اقامه» واجبات و بر پا داشتن و «اقامه» صلوات و زکوات و غیر آن، تعبیر شایع صحیحی است و این کلمه در آن دو علم دیگر به کار برده نمی‌شود. (همان، ص ۳۹۳-۳۹۲)

### جایگاه علوم دیگر در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه امام خمینی (ره)

به نظر حضرت امام (ره)، علوم دیگر داخل در یکی از اقسام سه گانه است؛ برای مثال، علم طب و تشریح و نجوم و هیئت و امثال آن در صورتی که نظر آیت و علامت به سوی آنها

داشته باشیم و علم تاریخ و امثال آن، در صورتی که با نظر عبرت به آنها مراجعه کنیم، داخل می‌شوند در «آیه محکمه» که به واسطه آنها علم به الله یا علم به معاد حاصل یا تقویت می‌شود. گاه می‌شود که تحصیل آنها داخل در «فریضه عاده» می‌شود و گاه ممکن است داخل در «سنت قائمه» شود. اما اگر تحصیل آنها برای خود آنها یا استفادات دیگری باشد، پس اگر ما را از علوم آخرت منصرف کردند، به واسطه این انصراف، بالعرض مذموم شوند و الا ضرر و نفعی ندارند.

پس کلیه علوم تقسیم شوند به سه قسمت: یکی آنکه، نافع به حال انسان است به حسب احوال نشأت دیگر که غایت خلقت، وصول به آن است و این قسمت همان است که جناب ختمی مرتبت (ص) «علم» دانسته و آن را به سه قسمت تقسیم فرمودند. و دیگر آنکه، ضرر می‌رساند به حال انسان و او را از وظایف لازمه خود منصرف می‌کند و این قسم، از علوم مذمومه است که نباید انسان پیرامون آنها گردد؛ مثل علم سحر و شعبده و کیمیا و امثال آن. و سوم آنکه ضرر و نفعی ندارد؛ مثل آنکه فضول اوقات را انسان به واسطه تفریح، صرف بعضی از آنها کند، مثل حساب و هندسه و هیئت و امثال آن و این قسمت از علوم را اگر انسان بتواند تطبیق با یکی از علوم ثلاثه نماید خیلی بهتر است، و الا حتی الامکان اشتغال پیدا نکردن به آنها خوب است؛ زیرا که انسان عاقل پس از آنکه فهمید که با این عمرهای کوتاه و وقت کم و موانع و حوادث بسیار نمی‌تواند جامع جمیع علوم و حائز همه فضایل شود، باید فکر کند که در علوم کدام یک به حال او نافع تر است و خود را به آن مشغول کند و تکمیل آن نماید. (همان، ص ۳۹۶)

البته به نظر امام (ره)، در بین علوم، آنچه به حال حیات ابدی و زندگانی جاویدان انسان نافع است، بهتر از همه است و مهم تر از جمیع آنهاست و آن علمی است که انبیا و اولیا (ع) امر و ترغیب به آن کردند و آن عبارت از علوم سه گانه است. (همان، ص ۳۹۷)

دیدگاه حضرت امام (ره) در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

جدول طبقات علوم و دانشها از نگاه امام خمینی(ره)

علوم غیر نافع برای انسان	علوم نافع برای انسان		
<p>علومی که ضرر می‌رساند به انسان و او را از وظایف لازمه خود منصرف می‌کنند؛ مثل علم سحر و شعبده و کیمیا و امثال آن.</p>	معادل حدیثی	علوم مربوط به هر نشئه	<p>عوالم، نشئات و مقامات انسان به طور اجمال و کلی</p>
<p>آن که ضرر و نفعی ندارد.</p>	<p>«آیه محکمه» عبارت است از: علوم عقلیه و عقاید حقه و معارف الهیه.</p>	<p>علم به ذات مقدس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال، علم به عوالم غیبیه تجردیه، علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها، علم به کتب منزل و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح، و علم به نشئه آخرت و کیفیت رجوع موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت.</p>	<p>نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل.</p>
	<p>«فریضه عادل» عبارت است از: علم اخلاق و تصفیه قلوب.</p>	<p>علم به محاسن اخلاق و علم به کیفیت تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها، علم به قبایح اخلاق و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزه از آنها.</p>	<p>نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال.</p>
	<p>«سنت قائمه» عبارت است از: علم ظاهر و علوم آداب قالبیه.</p>	<p>علم فقه و مبادی آن، و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن</p>	<p>نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت.</p>

نقد دیگر طبقه‌بندی‌ها از دیدگاه امام خمینی(ره)

حضرت امام(ره) آن دسته از طبقه‌بندی‌های علوم را که نگاه غیر سیستمی دارند نقد کرده است.

الف) نقد طبقه بندی شیخ اشراق: از نظر حضرت امام (ره)، بر طالب مسافرت آخرت و صراط مستقیم انسانیت لازم است که از هیچ یک از کمالات علمی و عملی صرف نظر ننماید و گمان نکند که کفایت می کند او را تهذیب خلق یا تحکیم عقاید یا موافقت ظاهر شریعت. بنابر این، اقدام شیخ اشراق در اول حکمه الاشراق که تقسیماتی می کند راجع به کامل در علم و عمل، و کامل در عمل، و کامل در علم، که از آن استفاده می شود که کمال علمی با نقص در عمل و به عکس، ممکن است تحقق پیدا کند و اهل کمال علمی را از اهل سعادت و متخلصان به عالم غیب و تجرد دانسته و مآل آنها را انسلاک در سلک علّیین و روحانیین پنداشته، نادرست است. (شرح حکمه الاشراق، ص ۲۵-۲۲؛ به نقل از: امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۸)

ب) نقد طبقه بندی غزالی و صدرالمتألهین: حضرت امام (ره) فرموده اند که صدرالمتألهین در شرح اصول کافی از غزالی کلامی نقل فرموده است که در آن کلام، غزالی تقسیم کرده است علوم را به علم دنیوی و آخرتی و علم فقه را از علوم دنیوی قرار داده و علم آخرت را به علم «مکاشفه» و «معامله» تقسیم کرده است. و علم معامله را علم به احوال قلوب قرار داده است و علم مکاشفه را نوری دانسته که در قلب حاصل شود پس از تطهیر آن از صفات مذموم. و به آن نور کشف حقایق شود تا آنکه معرفت حقیقی به ذات و اسماء و صفات و افعال و حکمت آنها و سایر معارف پیدا شود. و چون این تقسیم را ملاصدرا پسندیده است، در شرح این حدیث که اکنون مورد بحث ما می باشد فرموده است که:

ظاهر این است که این تقسیم و حصر که رسول اکرم (ص) فرموده اند، راجع به علوم معاملات باشد؛ زیرا این علوم است که اکثر مردم از آن منتفع می شوند. و اما علوم مکاشفات در عده قلیلی از مردم حاصل شود که از کبریت احمر عزیز ترند؛ چنانچه احادیث کتاب ایمان و کفر که پس از این آید دلالت بر آن دارد. (همان، ص ۳۹۵-۳۹۴)

به نظر حضرت امام (ره)، هم در کلام غزالی اشکال است و هم در سخن ملاصدرا. اشکال کلام صدرا آن است که ملاصدرا علم «معاملات» را علم به احوال قلب از منجیات، مثل صبر و شکر و خوف و رجا و غیر آن، و از مهلکات، مثل حقد و حسد و غلّ و غشّ و

غیر اینها دانسته است. بنابر این، علوم ثلاثه که رسول خدا (ص) [فرموده] از علوم معاملات نمی‌تواند باشد، مگر یک قسم آن که «فریضة عادله» است.

و اما اشکال در کلام غزالی دو چیز است: یکی آنکه، علم فقه را از علوم دنیایی و فقها را از علمای دنیا دانسته، با اینکه این علم از اعز علوم آخرت است و این ناشی است از حب نفس و حب به آن چیزی که به خیال خودش اهل اوست؛ یعنی علم اخلاق به معنای متعارف رسمی، از این جهت از سایر علوم، حتی علوم عقلیه، انتقاد کرده است. و دیگر آنکه، مکاشفات را جزء علوم قرار داده و در تقسیمات علوم وارد کرده که این خلاف واقع است. بلکه حق آن است که «علوم» را آن دانیم که تحت نظر و فکر و برهان درآید و قدم «فکر» در آن دخیل باشد. مکاشفات و مشاهدات، گاهی نتایج علوم حقیقه است و گاهی نتایج اعمال قلبیه. بالجمله، مشاهدات و مکاشفات و تحقق به حقایق اسما و صفات در تقسیمات علوم نباید داخل شوند، بلکه مکاشفه، وادی دیگر و علوم، وادی دیگرند. (همان، ص ۳۹۵)

با توجه به آنچه آمد، به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه به عنوان مبنای فلسفی علوم در جمهوری اسلامی ایران و طراحی هندسه علوم بر این مبنا، در ادامه و تکمیل کاری که حضرت امام خمینی (ره) انجام داده است، شاهد شکوفایی و رونق بیش از پیش علوم در حوزه و دانشگاه باشیم. همچنین به نظر می‌رسد طبقه‌بندی علوم از این دیدگاه می‌تواند مبنای تحولی جدی در نظام آموزشی و پژوهشی حوزه علمیه باشد. توضیح این مطلب مقاله مستقلی را می‌طلبد، ولی به اشاره می‌گوییم که طبقه‌بندی موجود و مورد عمل در کشور ما از جهات مختلف، به ویژه از نظر مبانی اسلامی، دارای ابهامات جدی است و بلکه تأثیر مبانی فلسفی غیر اسلامی در آن پررنگ است.

### جمع‌بندی

از آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که شایسته است در نگاه به علوم و تأسیس رشته‌ها، از منظر مفید بودن آنها برای فرد و جامعه غافل نشویم. مفید بودن دانشها برای انسان و

طبقه بندی علوم از دیدگاه صدرالمتألهین و امام خمینی ❖ ۱۹

جامعه انسانی باعث می‌شود تا آنها الهی تلقی شوند. ملاک این فایده‌مندی، تقویت هر سه مرتبه وجودی انسان است. این مراتب وجودی، بر اساس آنچه در دیدگاه حضرت امام (ره) آمده بود، در سه عرصه قابل ردیابی و شناسایی است: اول، ساحت اعتقادات و باورها؛ دوم، ساحت فضایل و رذایل اخلاقی؛ سوم، ساحت رفتارها. بنابر این، هر دانشی که بتواند اعتقاد انسان به خدا را محکم‌تر کند، ولو این دانش از دانشهای طبیعی باشد، مفید خواهد بود و اگر انسان را از خدا دور کند، مضر خواهد بود.





## منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)؛ مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴)؛ **چهل حدیث**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. حقیقت، صادق (۱۳۸۳)؛ «طبقه‌بندی دانش سیاسی در جهان اسلام با تأکید بر دورهٔ میانه»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸.
۴. حلبی، علی اصغر (۱۳۶۰)؛ **گزیده متن رسائل اخوان الصفا و خَلان الوفا**، تهران، زوآر.
۵. سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۵)؛ **فرهنگ علوم فلسفی و کلامی**، تهران، امیرکبیر.
۶. سلماسی، ابوعلی حسن (۱۳۸۳)؛ **الرساله الشرقيه فی تقاسیم العلوم البقینیه**، مقدمه و تصحیح حمیده نورانی نژاد و محمد کریمی زنجانی اصل، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. صدرالمتألهین، محمد شیرازی (۱۳۷۸)؛ **المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه**، تصحیح و تحقیق و مقدمه سید محمد خاмене‌ای، تهران، بنیاد حکمت صدرا.
۸. صدرالمتألهین، محمد شیرازی (چاپ سنگی)؛ **شرح الهدایه الاثیریّه**.
۹. صدرالمتألهین، محمد شیرازی (۱۳۷۱)؛ **عرفان و عارف نمایان (کسر الاصنام الجاهلیه)**، ترجمه محسن بیدارفر، قم، بیدار.
۱۰. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳)؛ **اخلاق ناصری**، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ پنجم.
۱۱. غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۴)؛ **احیاء علوم الدین**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. غزالی، ابوحامد محمد (بی تا)؛ **مجموعه رسائل الامام الغزالی**، بیروت، بی تا.
۱۳. فارابی، ابونصر محمد بن محمد (۱۳۶۹)؛ **احصاء العلوم**، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. لک‌زایی، نجف (۱۳۸۱)؛ **اندیشهٔ سیاسی صدرالمتألهین**، قم، بوستان کتاب.
۱۵. نصر، سید حسین (۱۳۶۲)؛ «**صدرالدین شیرازی**»، **تاریخ فلسفه در اسلام**، به اهتمام م. م. شریف، تهران، ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی.